



## فلسفه و کارکرد قصاص چیست/ چرا به جای قصاص مجرمان را تا ابد حبس نمی‌کنند

کارشناس علوم دینی و دکترای حقوق می‌گوید: کارکرد اصلی قصاص در بازدارندگی و پیش‌گیری از وقوع جرایم است و تنها با وجود مجازات قصاص، جرایم علیه اشخاص را می‌توان به حداقل ممکن رساند و این هدفی است که با هیچ مجازات دیگری تأمین نخواهد شد.

کارشناس علوم دینی و دکترای حقوق می‌گوید: کارکرد اصلی قصاص در بازدارندگی و پیش‌گیری از وقوع جرایم است و تنها با وجود مجازات قصاص، جرایم علیه اشخاص را می‌توان به حداقل ممکن رساند و این هدفی است که با هیچ مجازات دیگری تأمین نخواهد شد.

خبرگزاری فارس - گروه آیین و اندیشه: یکی از عرصه‌های ممتاز فقه و حقوق اسلامی، احکام جزایی است که در موارد زیادی از جمله قصاص، حد معینی را برای مجازات مجرمین معین کرده است.

قرآن کریم نیز با تعبیر «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» با بیانی کوتاه و پرمحتوا به اثرات مثبت این مجازات اشاره می‌کند.

در مقابل، برخی از نظام‌های حقوقی جهان معاصر مجازات قصاص را بر نمی‌تابند و به دلایلی آن را منافی حقوق بشر قلمداد می‌کنند. لذا بررسی فلسفه قصاص در اسلام و مقایسه دیدگاه‌های فقها و حقوق‌دانان اسلامی با دیگر مکاتب و نظام‌های حقوقی، لازم و موجب اذعان به قوت و ژرف اندیشی تعالیم اسلامی است.

به همین جهت گفت‌وگوی مشروحی با حجت‌الاسلام قدرت‌الله خسروشاهی، عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان، دارای دکترای حقوق و نویسنده کتاب‌های «فلسفه حقوق»، «فلسفه قصاص در اسلام»، «نظریه‌ها و نظام‌های حقوقی» و «مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی اسلام و حقوق موضوعه» انجام دادیم.

در حال حاضر پرداختن به فلسفه احکام یک ضرورت است

حجت‌الاسلام خسروشاهی در ابتدای این گفت‌وگو ضمن تبیین ضرورت پرداختن به فلسفه احکام اظهار داشت: در گذشته که احکام اسلامی صرفاً در مدارس و محافل علمی مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت، پرداختن به فلسفه احکام چندان ضرورتی نداشت، ولی در حال حاضر این امر یک ضرورت است.

وی افزود: حالا که پس از قرن‌ها، احکام اسلام مبنای اداره یک جامعه قرار گرفته و کارآیی آن در این زمینه از طرف بسیاری از غیر معتقدین به اسلام و حتی برخی از دگرندیشان مسلمان مورد تردید قرار می‌گیرد، اندیشمندان مسلمان باید یک تلاش جدی و پی‌گیر، برای دفاع عقلانی از احکام شریعت، به ویژه در بُعد اجتماعی، انجام دهند.

ضرورت تلاش علمی در مورد احکام جزایی اسلام بیشتر و روشن‌تر است

عضو شورای علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گفت: ضرورت این تلاش علمی، به خصوص در مورد احکام جزایی اسلام بیش‌تر و روشن‌تر است، به دلیل این که احکام کیفری به حقوق و آزادی‌های فردی مربوط می‌شود و این می‌تواند عاملی برای اعتراض مجامع بین‌المللی در خصوص عدم رعایت حقوق بشر در جوامع اسلامی باشد.

خسروشاهی ادامه داد: به نظر می‌رسد این شبهه که تحوّل شرایط و خصوصیات زندگی اجتماعی، مانع از این است که احکام اسلام، که برای تنظیم روابط مردم در یک زندگی بسیار ساده و ابتدایی وضع گردیده، بتواند در حال حاضر نیز به تنظیم روابط اجتماعی مردم بپردازد، در مورد احکام کیفری اسلام بیش‌تر مطرح می‌شود، و از میان احکام کیفری اسلام نیز به نظر می‌رسد قصاص از این نظر در اولویت قرار دارد.

در بعضی اقوام گذشته مثل روم قدیم، و بابل نیز قانون قصاص اجرا می‌شد

عضو شورای علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با اشاره به کشف مجموعه‌ای از قوانین کهن در منطقه بابل و آشور در عراق ابراز داشت: این قوانین به دست آمده شامل قوانین &#171;اورنامو» و &#171;بالالاما» و قانون &#171;حمورابی» می‌شود و آن‌ها را مجموعه قوانین &#171;میزوبوتامی» نامیده‌اند و در قانون &#171;اورنامو» که نخستین قانون مدون و سه قرن پیش از قانون حمورابی وضع شده است بیش‌تر بر مجازات دیه و غرامت تأکید شده است. و در قانون حمورابی که مهم‌ترین مجموعه قانون و پس از قانون &#171;اورنامو» کهن‌ترین قانون است، مسائل کیفری اعم از جرایم و مجازات‌ها مانند، زنا با محارم، سرقت و قصاص بیان شده است. البته در عرب جاهلیت و همچنین در مصر باستان نیز کم و بیش قصاص بوده است.

در تورات، قصاص یک اصل پذیرفته شده است/ گرفتن دیه در تورات ممنوع است

حجت‌الاسلام خسروشاهی اظهار داشت: بر اساس آن چه از تورات موجود استفاده می‌شود، قصاص و مقابله به مثل، یک اصل پذیرفته شده و مورد تأکید است و جانی هم در قتل و هم در جنایات کم‌تر از نفس محکوم به همان جنایتی است که بر مجنی‌علیه وارد نموده و حتی در بعضی موارد، حیوانات نیز در صورت ارتکاب قتل محکوم به مرگ (سنگ سار) هستند.

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان افزود: در تورات، دو نصّ شبیه آن چه قرآن کریم از تشریحات موسوی نقل می‌کند آمده است و هر دو به روشنی بر اصل قصاص دلالت دارند.

وی گفت: البته اجرای مجازات قصاص در شریعت موسی فقط در صورتی جایز است که قتل به صورت عمد و با سبق تصمیم باشد اما اگر قتل غیر عمد باشد، مجازات دیگری دارد. همچنین در تورات نه تنها در موارد قتل عمد، اشاره‌ای به جواز توافق بر دیه نشده و همه جا تأکید بر قصاص شده است بلکه در یک مورد صراحتاً گرفتن دیه به جای قصاص از قاتلی که مستحق قتل است ممنوع دانسته شده و آمده است &#171;؛ و هیچ فدیة به عوض جان قاتلی که مستوجب قتل است مگیر، بلکه او البته باید کشته شود.»

### قصاص در دین مسیحیت کنونی

این نویسنده و پژوهشگر حقوق و جزای اسلامی با بیان اینکه در مسیحیت، و آنچه از انجیل کنونی استفاده می‌شود، چیزی جز ترغیب و تشویق به عفو و گذشت نیست، بیان داشت: البته این مسئله منافاتی با وجود نظام کیفری در دین مسیحیت ندارد، همان گونه که در دین اسلام هم علی‌رغم وجود نظام کیفری، به خصوص قصاص، تأکید و تشویق به عفو شده و عفو و صبر از قصاص بهتر دانسته شده است. علاوه بر این، صرف نبودن حکم قصاص در انجیل موجود، دلیل عدم مشروعیت آن در مذهب مسیح نیست، این مذهب در واقع کامل‌کننده شریعت موسی است و نه ناسخ آن. در این زمینه در انجیل آمده است &#171;؛ گمان می‌کنید که من آمده‌ام که در هم بپاشم و برطرف کنم ناموس یا شریعت پیغمبران را. نیامده‌ام برای از هم پاشیدن، بلکه آمده‌ام برای آن که کامل کنم»

عضو شورای علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گفت: یکی از شارحین انجیل در شرح این کلمات می‌گوید: &#171;؛ این سخن یسوع، دلالت می‌کند بر حقیقت تورات و شریعت موسی و منسوخ نبودن آن. پس بر نصارا لازم آید به حکم انجیل که مخالفت شریعت موسی را جایز ندانند و حال آن که در بسیاری از احکام غیر وارده در انجیل و بعضی از احکام وارده در انجیل، مثل حکم طلاق، رجم، قصاص و قسم یاد نمودن و امثال آن مخالفت کرده‌اند...»

وی ادامه داد: شریعت عیسی (ع) را نمی‌توان فاقد نظام کیفری، به خصوص قصاص و دیه دانست و عملکرد ملت‌ها و دولت‌های معتقد به مسیحیت نیز چنین چیزی را تأیید نمی‌کند، و بسیار بعید است که یک دین رسمی الهی در قبال یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات جوامع انسانی که جنایت علیه اشخاص می‌باشد، تنها موضوع عفو و گذشت را پیشنهاد کرده باشد.

تئوری اسلام در مجازات، شاکاری از قانون‌گذاری کیفری است

دکتر خسروشاهی، دیدگاه اسلام در مورد توجیه عقلانی و اخلاقی مجازات را یک دیدگاه دوگانه و ترکیبی دانست و عنوان کرد: این دیدگاه بر کل نظام کیفری اسلام حاکم است و همه مجازات‌ها اعم از حدود، قصاص و تعزیرات بر اساس این تئوری قابل توجیه هستند. البته ممکن است شناخت و اثبات این تئوری در مورد همه مجازات‌ها به صورت یک‌سان امکان‌پذیر نباشد، ولی در مقام ثبوت، همه مجازات‌ها بر اساس این دیدگاه تشریح شده‌اند.

وی افزود: در این تئوری، توجه به عدالت و استحقاق را از یک طرف و رسیدن به آثار و نتایج مطلوب فردی و اجتماعی را از طرف دیگر، در سطح بسیار عمیق و گسترده مورد نظر قرار می‌دهد و این دو را به گونه‌ای اعجاز آمیز به هم پیوند می‌زند و شاه‌کاری از قانون گذاری کیفری را در مقابل انسان ترسیم می‌کند.

ویژگی تئوری اسلام، جامعیت آن نسبت به آثار مادی و معنوی مجازات است

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان اظهار داشت: از ویژگی‌های این تئوری، جامعیت آن نسبت به آثار مادی و معنوی مجازات، توجه به خصوصیات و ویژگی‌های فطری و ذاتی انسان و همچنین نسبت و عدم مطلق گرایی آن را می‌توان نام برد. لذا با ارائه این تئوری، جایگاه قصاص به عنوان یکی از انواع سه گانه مجازات، در تحقق فلسفه مجازات روشن می‌شود و به آسانی می‌توان فلسفه قصاص را تبیین نمود.

خسروشاهی افزود: از دیدگاه اسلام، قصاص، نه فقط به دلیل استحقاق مجرم و تحقق عدالت کیفری تشریح شده است و نه صرفاً برای تحقق آثار و نتایج فردی و اجتماعی، بلکه قصاص در عین حال که به گذشته، یعنی به جرم و استحقاق مجرم و تحقق عدالت توجه دارد، آینده را نیز کاملاً مورد توجه قرار می‌دهد و به عنوان کارآمدترین شیوه برای جلوگیری از وقوع جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد عمل می‌کند.

هیچ مجازاتی نمی‌تواند مانند قصاص موجب کاهش جرایم جسمانی شود

این نویسنده و پژوهشگر حقوق و جزای اسلامی با اشاره به منابع اسلامی خاطرنشان کرد: مهم‌ترین کارکرد قصاص، پیش‌گیری از وقوع جرم و حفظ نظم و امنیت اجتماعی است، اگر چه کارکردهای دیگری، مانند عدالت، تشقی مجنی‌علیه یا اولیای او و تهذیب مجرم نیز در کنار آن تحقق می‌یابد و هیچ مجازات دیگری نمی‌تواند مانند قصاص موجب کاهش جرایم جسمانی بشود.

وی افزود: البته با وجود این مجازات نیز ممکن است کسانی مرتکب جرایم جسمانی بشوند، ولی نسبت این جرایم در جوامعی که مجازات قصاص در آن‌ها وجود دارد، نسبت به جوامع دیگر، بسیار پایین‌تر است و تنها با حذف این مجازات از جوامعی که با وجود این مجازات جرایم جسمانی در آن‌ها وجود دارد می‌توان کارآیی این مجازات را اندازه گیری کرد.

نهاد قصاص از دیدگاه اسلام، یک نهاد خصوصی است و بدون اجازه ولی مقتول، اجرا نمی‌شود

عضو شورای علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گفت: تحقق این کارکرد مهم و اصلی لزوماً در گرو اجرای مجازات قصاص نیست، بلکه وجود یک نهاد قانونی به عنوان قصاص در جامعه به تنهایی می‌تواند چنین آثاری را به دنبال داشته باشد.

وی ادامه داد: نهاد قصاص از دیدگاه اسلام، یک نهاد خصوصی است؛ به این معنا که بدون خواست و اراده کسانی که حق قصاص برای آن‌ها قرار داده شده است، قابل اجرا نیست، به ویژه که تأکید قانون‌گذار اسلام بر عدم انتخاب این مجازات است و حتی‌الامکان سعی بر عدم اجرای آن دارد. در صورتی که اگر تحقق فلسفه قصاص در گرو اجرای این مجازات بود، باید تأکید بر اجرای این مجازات بشود، نه بر عدم اجرا.

وی افزود: البته تحقق عدالت کیفری نیز که در گرو اجرای این مجازات است و با عدم اجرای آن منتفی می‌شود، به این دلیل است که اولاً: عدالت مورد نظر از دیدگاه اسلام در مورد مجازات، عدالت مطلق نیست و ثانیاً: از دیدگاه اسلام، تنها راه مقابله با مجرم برخورد عدالت‌خواهانه نیست، بلکه راه دیگری نیز وجود دارد که همان برخورد از روی احسان و خیرخواهی و پاسخ‌گویی بدی به نیکی است.

قصاص، عادلانه‌ترین مجازاتی است که می‌توان برای جرم در نظر گرفت

حجت‌الاسلام خسروشاهی، مکتب اسلام را نشأت گرفته از حکمت و عدالت ربوبی دانست و عنوان کرد: اسلام تمام دستورها و مقررات خود را بر اساس عدالت و برای تأمین آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان تشریح کرده که این عدالت در بُعد جزایی نمود بیشتری دارد. لذا به نظر می‌رسد عدالت کیفری در مفهوم ابتدایی خود این چنین اقتضا می‌کند که مجرم به همان صورتی که مرتکب جرم شده است، مجازات شود.

وی افزود: از دیدگاه اسلام نیز مقابله به مثل جایز دانسته شده است و مجنی‌علیه می‌تواند تعدی به خود را همان گونه که بوده است پاسخ دهد. بر این اساس، قصاص، عادلانه‌ترین مجازاتی است که می‌توان برای جرم در نظر گرفت. به همین دلیل، یکی از شرایط اصلی قصاص در اسلام، امکان رعایت تساوی و برابری بین جرم و مجازات است و در صورتی که امکان رعایت این تساوی وجود نداشته باشد یا حتی در صورتی که مجازات آثار شدیدتری نسبت به جرم به همراه داشته باشد، قصاص اجرا نخواهد شد.

آنچه بیشتر مورد تأکید اسلام قرار گرفته، برخورد بر اساس عفو است

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان اظهار داشت: بد رفتاری را به سه گونه می‌توان پاسخ داد: پاسخ به چیزی بدتر از خود آن که بر خلاف مقتضای عدالت است و پاسخ به چیزی مانند خود آن که این پاسخ بر اساس عدالت است و بدی را می‌توان به خوبی پاسخ گفت که این بالاتر از عدالت است.

خسروشاهی افزود: از دیدگاه اسلام، اگرچه برخورد عادلانه با مجرم تجویز شده است، اما این تنها راه برخورد با مجرم نیست، بلکه این به صورت یک حق شناخته شده است و آنچه بیشتر مورد تأکید و تشویق قرار گرفته، برخوردی بر اساس عفو، گذشت، صبر و خلاصه برخوردی بر اساس احسان است.

یکی از اهداف مجازات‌های اسلامی بازدارندگی از جرم است

این نویسنده و پژوهشگر حقوق و جزای اسلامی با بیان اینکه یکی از اهداف مجازات‌های اسلامی بازدارندگی است بیان داشت: پیش‌گیری از ارتکاب جرم و ایجاد موانع برای جلوگیری از نزدیک شدن به زشتی‌ها و آلودگی‌های عملی و اخلاقی، بخش وسیعی از تعلیمات اسلامی را به خود اختصاص داده است به همین خاطر اسلام در کنار برنامه‌هایی که انگیزه‌های مجرمانه را از بین می‌برد و انسان‌ها را از درون اصلاح می‌کند، یک عامل بازدارنده بیرونی نیز قرار داده است که اگر کسانی علی‌رغم همه برنامه‌های تربیتی اسلام باز هم به طرف جرم و نقض قوانین رفتند و حقوق دیگران را پایمال نمودند، از بیرون آن‌ها را کنترل نماید و از اعمال مجرمانه آن‌ها جلوگیری کند. این عامل بیرونی، همان مجازات‌هایی است که توسط شارع وضع شده و هر کدام به گونه‌ای از وقوع جرایم بیشتر جلوگیری می‌کند.

یکی از ارکان حیات اجتماعی، امنیت جانی اعضای یک جامعه است

عضو شورای علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گفت: اسلام به عنوان یک شریعت وحیانی، همان‌گونه که حیات فردی انسان‌ها را تحت پوشش خود قرار می‌دهد زندگی اجتماعی انسان‌ها را نیز مورد توجه قرار داده و بسیاری از دستورها و قوانین آن ناظر بر حیات جمعی انسان‌هاست. یکی از ارکان حیات اجتماعی، امنیت جانی اعضای یک جامعه است، به گونه‌ای که عدم وجود چنین امنیتی، می‌تواند مانع تمامی پیشرفت‌ها و فعالیت‌های اجتماعی بشود و حیات جامعه را با مشکل جدی روبه‌رو کند.

وی ادامه داد: به همین دلیل هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان پیدا کرد که نسبت به پدیده قتل بی تفاوت باشد و قوانین و مقرراتی را برای مقابله با آن به وجود نیاورده باشد، اگر چه سخن در مورد این که بهترین قانون که با اجرای آن بتوان با این پدیده مقابله کرد و لاقلاً آن را به حداقل ممکن رساند، بسیار گفته شده است و ذهن بسیاری از اندیشمندان را از قدیم الایام به خود مشغول نموده است، به گونه‌ای که حتی در جهان معاصر نیز، اتفاق نظری در این‌که بهترین قانون برای مقابله با جرم قتل چیست، وجود ندارد و پی در پی شاهد تغییر قوانین مربوط به قتل در کشورهای مختلف هستیم.

قانون قصاص بیشتر از هر قانون دیگری می‌تواند میزان وقوع جرایم را کاهش دهد

حجت‌الاسلام خسروشاهی با طرح این سؤال که چه مجازاتی می‌تواند بهتر و بیشتر مجرمین بالقوه را از ارتکاب قتل باز دارد؟ خاطرنشان کرد: آیا مجازات حبس که امروزه در بسیاری از کشورها به عنوان مجازات قتل در نظر گرفته شده است، می‌تواند انسانی را که قصد ارتکاب قتل دارد از عمل خود منصرف نماید؟ و اگر می‌تواند، آیا به دلیل این نیست که خوف از دست دادن آزادی و زندگی در گوشه زندان مانع از ارتکاب چنین عمل مجرمانه‌ای می‌شود؟ اگر چنین است قطعاً خوف از دست دادن حیات و محرومیت همیشگی از زندگی، بیشتر می‌تواند موجب انصراف از اعمال مجرمانه شود و چه بسا کسانی که حاضر باشند مجازات حبس که امید آزادی و زندگی دوباره در آن وجود دارد را بپذیرند و مرتکب قتل شوند، ولی حاضر نباشند جان خود را به مخاطره بیندازند. (دقت کنید)

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان اظهار داشت: در همین جا به این نکته مهم اشاره کنم که در جوامعی که وجود مجازات اعدام یا قصاص نفس نیز نتوانسته از میزان جرایم علیه اشخاص بکاهد، قطعاً در صورتی که مجازات حبس یا مجازات دیگری برای قتل در نظر گرفته شود که خفیف‌تر از قصاص باشد، امکان بروز چنین جرایمی در سطح بالاتری وجود دارد و افراد با خطرپذیری بیشتری به استقبال این جرم می‌روند. (دقت کنید)

دکتر خسروشاهی افزود: اگر باز داشتن مجرم از ارتکاب جرم با عامل بیرونی، مانند مجازات یا ارباب او از سختی و شدت مجازات امکان‌پذیر است و اگر جرایمی مانند قتل و دیگر جرایم علیه اشخاص آن‌چنان برای جامعه خطرناک است که باید حتی‌الامکان از وقوع آن‌ها جلوگیری کرد، طبقاً قانون قصاص بیشتر از هر قانون دیگری می‌تواند مؤثر و مفید باشد و میزان وقوع این جرایم را کاهش دهد.

مصلحت و فلسفه قصاص در تشریح آن است نه لزوماً در اجرای قصاص

این نویسنده و پژوهشگر حقوق و جزای اسلامی با اشاره به اینکه با وجود قانون قصاص در یک جامعه، جرایم علیه اشخاص به حداقل ممکن خواهد رسید یادآور شد: این هدف الزاماً منوط به اجرای قصاص در جامعه نیست، بلکه تشریح قانون قصاص و وجود چنین حقی به تنهایی می‌تواند این هدف مهم را در جامعه تأمین نماید. به اصطلاح اصولی‌ها، مصلحت و فلسفه این حکم در تشریح آن است، نه در اجرای آن. مهم آن است که چنین حقی در جامعه وجود داشته باشد و هر انسانی که اراده قتل می‌نماید، بداند که جان او در معرض تلف است و احساسات جریحه‌دار شده اولیای مقتول می‌تواند او را به سرنوشت مقتول مبتلا نماید. توجه به این واقعیت، هم جان خود او را حفظ خواهد کرد و هم جان کسی که قصد کشتن او را داشته است.

قصاص یا عفو اولیای دم، تنها راه رهایی از عذاب اخروی برای قاتل است

عضو شورای علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گفت: به طور قطع، بخشی از فلسفه قصاص نیز در اثر اجرای این حکم در جامعه تأمین خواهد شد. اجرای قصاص نسبت به شخص قاتل، اگر چه موجب سلب حیات دنیوی او خواهد شد، اما تنها راه رهایی از عذاب اخروی، تسلیم شدن در برابر حق مشروع اولیای دم است تا اگر بخواهند او را عفو نمایند و اگر بخواهند قصاص کنند.

وی ادامه داد: البته اجرای قصاص نسبت به قاتل نیز می‌تواند سبب حیات مطلوب و پسندیده در آخرت بشود و او را از عذابی که به تعبیر قرآن (لا یموت فیها ولا یحیی) است رهایی بخشد.

حجت‌الاسلام خسروشاهی با بیان اینکه اجرای قصاص موجب حفظ حیات انسان‌های دیگر غیر از خود قاتل خواهد شد، بیان داشت: حق قصاص فقط برای اولیای دم به وجود می‌آید و با کشته شدن قاتل، این حق نیز از بین خواهد رفت و کشتن هیچ فرد دیگری غیر از او جایز نخواهد بود، بر خلاف آن چه قبل از اسلام وجود داشت که در صورت قتل یک انسان، مجاز بودند انسان‌های دیگری غیر از قاتل را بکشند و چه بسا قبایلی به خاطر کشته شدن یک انسان، سال‌ها با یکدیگر می‌جنگیدند. لذا اجرای قصاص در جامعه، موجب حفظ حیات کسانی می‌شود که هیچ دخالتی در قتل نداشته‌اند.

اصلاح و تربیت به وسیله قصاص صورت می‌گیرد

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان گفت: البته در بسیاری از جرایم، امکان بازسازی اخلاقی و اجتماعی مجرم برای آینده وجود دارد و مجرمین می‌توانند با یک برنامه تربیتی و اصلاحی، دوباره به جامعه بازگردند و راه صحیح زندگی را در پیش گیرند.

خسروشاهی افزود: از دیدگاه اسلام، انسان‌ها باید به گونه‌ای تربیت شوند که نه تنها خود هرگز به جرم و گناه نزدیک نشوند، بلکه دیگران را نیز نهی نموده و مانع وقوع جرم در جامعه بشوند، ولی علی‌رغم برنامه‌های تربیتی اسلام اگر کسانی مرتکب جرم شوند باز هم اسلام آن‌ها را رها نکرده، بلکه سعی می‌کند برنامه‌های تربیتی مناسب با آن وضعیت را برای آن‌ها اجرا کند و آن‌ها را در همان شرایط مورد بازپروری دوباره قرار دهد.

مهم‌ترین برنامه تربیتی اسلام برای مجرمین، تشویق و ترغیب آن‌ها به توبه است

این نویسنده و پژوهشگر حقوق و جزای اسلامی با بیان اینکه مهم‌ترین برنامه تربیتی اسلام برای مجرمین، تشویق و ترغیب آن‌ها به توبه و بازگشت به سوی ارزش‌های الهی است، بیان داشت: امیدوار نمودن مجرمین به این‌که جرم و گناه آن‌ها مورد عفو قرار می‌گیرد و توبه آن‌ها حتی از اجرای مجازات در مورد آن‌ها بهتر است، می‌تواند زمینه بسیار مناسبی را برای بازسازی روحی دوباره مجرمین فراهم نماید و آن‌ها را به جامعه باز گرداند.

عضو شورای علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه اظهار داشت: ممکن است کسانی از موقعیت توبه نیز استفاده نکنند و به آخرین مرحله برخورد با مجرمین که اعمال مجازات است برسند، در این مرحله ممکن است گفته شود مجازات نمی‌تواند اثر تربیتی داشته باشد و کسانی که به این مرحله می‌رسند باید آن‌ها را مجازات کرد و مجازات به صورت قهری آن‌ها را از ارتکاب دوباره جرم باز می‌دارد.

یکی از کارکردهای قصاص، پیش‌گیری از انتقام فردی است

حجت‌الاسلام خسروشاهی اظهار داشت: یکی از کارکردهای قصاص پیش‌گیری از انتقام فردی و به عبارتی تشقی مجنی علیه یا اولیای دم، است. چون جرایم علیه اشخاص، اعم از قتل، قطع عضو و ضرب و جرح، احساسات و عواطف مجنی‌علیه یا اولیای او را جریحه‌دار می‌کند و آن‌ها را به مقابله و برخورد با جانی وادار می‌کند.

وی افزود: طبیعت انسان به گونه‌ای است که در مقابل هر عملی که منافای با خواسته‌ها و امیال و منافع او باشد، از خود عکس‌العمل نشان می‌دهد و این بخش از طبیعت انسانی که اصطلاحاً قوه غضبیه نامیده می‌شود، در عین حال که ضامن بقا و استمرار حیات انسان است، می‌تواند در صورت طغیان و سرکشی، آثار و نتایج سوئی را برای فرد و جامعه به دنبال داشته باشد.

خسروشاهی ادامه داد: وقتی یکی از جرایم علیه اشخاص اتفاق می‌افتد، مجنی‌علیه یا اولیای او که این عمل را یک تهدید جدی علیه منافع خود می‌دانند، به مقابله بر می‌خیزند و می‌خواهند که به هر صورت آن را پاسخ دهند و این را حق خود می‌دانند.

قوانین بشری در مورد جرایم علیه اشخاص ضعیف است

حجت‌الاسلام خسروشاهی با بیان اینکه قوانین بشری در مورد جرایم علیه اشخاص ضعیف است بیان داشت: این قوانین نوعاً به جای حق مقابله به مثل مجازات‌های دیگری مانند حبس یا جریمه را پیشنهاد می‌کند تا مجرم را مورد تعقیب و مجازات قرار دهند. البته در موارد خاص، گذشت شاکی خصوصی موجب تخفیف مجازات می‌شود، ولی اصل مجازات در هر صورت اجرا می‌شود. لذا اعمال مجازات حبس یا جریمه، توسط دولت و بدون دخالت مجنی‌علیه یا اولیای او، در مورد جرایم علیه اشخاص هرگز نمی‌توانند موجب فروکش نمودن احساسات جریحه‌دار شده مجنی‌علیه یا اولیای او بشود، حتی توقعات و انتظارات عمومی را هم برآورده نمی‌کند.

یکی از حکمت‌های قصاص، پاسخ منطقی به احساس طبیعی انسان است

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان اظهار داشت: به اعتقاد بنده یکی از کارکردها و حکمت‌های تشریح قصاص، پاسخ دادن منطقی و معقول شریعت به یک احساس طبیعی انسان است، احساسی که اگر بی پاسخ گذاشته شود به صورت لجام گسیخته طغیان خواهد نمود و نظم و امنیت اجتماعی را به خطر خواهد انداخت.

تنها با وجود مجازات قصاص، جرایم علیه اشخاص را می‌توان به حداقل ممکن رساند

این نویسنده و پژوهشگر حقوق و جزای اسلامی گفت: بعضی ادعا می‌کنند در بسیاری از جوامع با اینکه مجازات قصاص، اجرا نمی‌شود، ولی این موجب نمی‌شود که احساسات انتقام‌جویانه طغیان نماید؟ جواب این ادعا بر فرض صحت، این است که ما تشقی خاطر مجنی‌علیه یا اولیای او را صرفاً به عنوان یک کارکرد فرعی و تبعی برای مجازات قصاص معرفی کردیم.

وی ادامه داد: چنین کارکردی ممکن است در همه جوامع تحقق پیدا نکند و در برخی از جوامع به دلیل محیط و فرهنگ خاص حاکم بر آن، انسان‌ها لزوماً به دنبال مقابله به مثل نباشند یا حتی آن را خلاف روح انسان دوستی و مدنیت بدانند و مجازات‌های دیگر را پاسخی کافی برای این‌گونه جرایم بدانند و با همان مجازات‌ها تشقی خاطر حاصل نمایند و هرگز دست به اقدامات تلافی‌جویانه نزنند.

وی افزود: این مسئله موجب نمی‌شود که قصاص به طور کلی فلسفه خود را در این جوامع از دست بدهد و یک قانون بی‌فایده شناخته شود، زیرا ما کارکرد اصلی قصاص را در بازدارندگی و پیش‌گیری از وقوع این‌گونه جرایم می‌دانیم و معتقدیم تنها با وجود مجازات قصاص، جرایم علیه اشخاص را می‌توان به حداقل ممکن رساند و این هدفی است که با هیچ مجازات دیگری تأمین نخواهد شد.

قصاص، منشأ حیات و زندگی است یعنی چه؟

حجت‌الاسلام خسروشاهی با اشاره به آیه شریفه &#171;ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب« قصاص را منشأ حیات دانست و عنوان کرد: در تفسیر حیاتی که از طریق قصاص حاصل می‌شود، روایات متعددی نقل شده است که همه در این موضوع اتفاق دارند

که با وجود قانون قصاص، کسی به خود اجازه کشتن دیگری را نمی‌دهد و طبعاً وقتی انسان از کشتن دیگری منصرف شد، هم خون انسان‌های دیگر محفوظ می‌ماند و هم خود این شخص از مجازات قصاص مصون می‌ماند و خودش ریخته نخواهد شد.

وی گفت: با توجه به ارزش حیات از دیدگاه اسلام، می‌توان فلسفه قصاص را به خوبی درک کرد، چون اسلام، قصاص را به عنوان بهترین شیوه و روش کیفری برای مبارزه و مقابله با جرایم علیه حیات انسان، وضع کرده است.

عضو شورای علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه اظهار داشت: اکثر مفسرین در تفسیر این آیه به مسئله حفظ حیات انسانی در اثر تشریح و اجرای این حکم اشاره کرده‌اند و هدف و فلسفه اصلی قصاص را همین امر می‌دانند.

خسروشاهی ادامه داد: در روایتی که از امام سجاد(ع) نقل شده علاوه بر حیات اراده کننده قتل و کسی که اراده کشتن او شده است، به حیات اجتماعی ناشی از حکم قصاص هم اشاره شده است. طبق این حدیث، وجود این حق، موجب تحقق امنیت اجتماعی و استمرار حیات انسانی خواهد شد و جامعه از هرج و مرج و ناامنی در نفوس و جان‌ها محفوظ خواهد ماند. این تفسیر واقعیت مهمی را تبیین می‌کند که می‌تواند بسیاری از اشکالات وارد بر مجازات قصاص را دفع کند.

رعایت تساوی و تشابه مطلق میان یک جرم و مجازات آن، غیر ممکن است

این نویسنده و پژوهشگر حقوق و جزای اسلامی با اشاره به اشکالی که در مورد عدم تساوی کامل بین جرم و مجازات در قصاص مطرح شده است ابراز داشت: یکی از اشکالاتی که در زمینه قصاص وارد شده است این است که قصاص به معنای واقعی که تساوی کامل بین جرم و مجازات است، جز در موارد بسیار نادر، قابل تحقق نیست. مثلاً اگر انسانی که قبلاً یک چشم خود را از دست داده است، چشم شخصی را کور نماید، قصاص نمودن او ممکن نیست، زیرا موجب نابینایی کلی او می‌شود اما باید دانست که بدون تردید رعایت تساوی و تشابه مطلق میان یک جرم و مجازات آن، به گونه‌ای که هیچ تفاوتی از نظر ماهوی و نیز از نظر آثار و نتایج مترتب بر آن دو، وجود نداشته باشد، غیر ممکن است. زیرا تساوی جانی و مجنی‌علیه در کلیه خصوصیات و ویژگی‌ها امری غیر ممکن و یا بسیار نادر است، همان‌گونه که دو جرم که دارای عنوان مشابهی هستند، مانند دو قتل عمد که توسط دو مجرم واقع می‌شود هرگز در کلیه شرایط و خصوصیات مانند یک دیگر نخواهند بود.

دو جرم یکسان وجود ندارد که در کلیه خصوصیات مانند هم باشند

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان گفت: دو مجرم که در شرایط متفاوتی مرتکب جرم می‌شوند، خصوصیات متفاوتی دارند و مجنی‌علیه هر یک با دیگری تفاوت دارد و قهراً آثار و نتایج مترتب بر عمل آن‌ها نیز با یک دیگر تفاوت خواهد داشت. بنابراین، هرگز دو جرم یکسان یا دو مجرم که در کلیه خصوصیات مانند یک دیگر باشند وجود ندارد و نمی‌توان دو مجرم که مرتکب جرم ظاهراً مشابهی شده‌اند را محکوم به مجازات یکسانی نمود.

وی تأکید کرد: این سخن غیر قابل انکار است و واقعیات خارجی نیز آن را تأیید می‌کند، ولی در صورتی می‌تواند مبنا و منطق مجازات قصاص را از بین ببرد و آن را به یک مجازات غیر قابل اعمال تبدیل کند که مجازات قصاص برای تأمین عدالت مطلق تشریح شده

مجازات قصاص برای تأمین عدالت نسبی در حدّی که امکان دارد، وضع شده است

حجت‌الاسلام خسروشاهی با بیان اینکه مجازات قصاص بر اساس تساوی و تشابه جرم و مجازات از کلیه جهات وضع نشده، بیان داشت: چنین تساوی و تشابهی وجود خارجی ندارد و بر فرض این که وجود داشته باشد قابل احراز و اثبات نیست. در نتیجه هیچ‌گاه نمی‌توان کسی را در دنیا به گونه‌ای مجازات کرد که مجازات او با جرمی که مرتکب شده است هیچ‌گونه تفاوتی نداشته باشد، در حالی که مجازات قصاص برای تأمین عدالت نسبی در حدّی که در این دنیا امکان دارد، وضع شده است و تفاوت‌های اجتناب‌ناپذیری که بین جرم و مجازات قصاص وجود دارد مانع اجرای آن نخواهد بود.

خسروشاهی ادامه داد: آنچه جزء شرایط اجرای قصاص است، مانند تکافؤ در دین یا حریت و رقیت، موجب تعطیل شدن این مجازات نخواهد شد، اما این که در مواردی قصاص به دلیل نداشتن موضوع، غیر ممکن می‌شود، این نمی‌تواند به عنوان یک اشکال بر مجازات قصاص مطرح شود، زیرا مجازات‌های دیگر نیز ممکن است در بعضی موارد به دلایلی قابل اجرا نباشند؛ مانند مجازات جریمه نقدی برای کسی که به هیچ وجه امکان پرداخت آن را ندارد یا مجازات حبس برای کسی که نمی‌تواند در زندان زندگی کند. وجود چنین مواردی نمی‌تواند اصل یک مجازات را زیر سؤال ببرد و دلیلی بر غیر قابل اجرا بودن آن به حساب بیاید.

این نویسنده و پژوهشگر حقوق و جزای اسلامی گفت: گاهی شرایط خاص جانی، موجب بروز چنین نتیجه‌ای می‌شود و این نمی‌تواند مانع اجرای قصاص شود، همان‌گونه که در مجازات‌های دیگر نیز ممکن است شرایط خاص جانی موجب بروز نتایج بسیار گسترده‌تری نسبت به آن چه از اصل مجازات مورد نظر بوده است بشود.

خسروشاهی اضافه کرد: اگر کسی مثلاً محکوم به جریمه نقدی بشود و پرداخت این جریمه، موجب شود که نتواند چک خود را به موقع تأمین وجه نماید و در نتیجه چک او برگشت خورده و باعث حبس و پرداخت جریمه نقدی گردد، در این صورت این نتایج زیان‌بار به دلیل شرایط خاص مجرم بوده است، نه به دلیل این که مجازات در مورد او اجرا گردیده است و قانون‌گذار نمی‌تواند قوانین خود را مشروط به عدم تحقق نتایج غیرقابل پیش‌بینی و قهری نماید.

تجویز عفو و گذشت به معنای رها کردن مجرم بدون هرگونه مجازات نیست

این نویسنده و پژوهشگر حقوق و جزای اسلامی در بخش پایانی گفت‌وگوی خود با فارس اظهار داشت: تجویز عفو و گذشت از حق قصاص، به معنای رها کردن مجرم بدون هرگونه مجازات و نادیده گرفتن حقوق عمومی نیست، اگرچه مدت‌ها عقیده بر این بود که در صورت عفو، مجرم به هیچ وجه قابل مجازات نیست. ولی در حال حاضر، هم از دیدگاه‌های فقهی که علاوه بر حق خصوصی، حقی را برای حاکم به رسمیت می‌شناسد و هم از دیدگاه حقوقی، امکان مجازات مجرمینی که مجازات آن‌ها به عنوان یک حق خصوصی شناخته شده است وجود دارد.

خسروشاهی ادامه داد: البته این مجازات‌ها از ناحیه حاکم، همان مجازاتی نیست که صاحبان حقوق خصوصی می‌توانند اعمال کنند،

بلکه یک مجازات بدلی است که به عنوان تعزیر اعمال می‌شود، ولی نظم و امنیت اجتماعی را تأمین می‌کند و از هرج و مرج جلوگیری می‌نماید، و عملاً مواردی که با عفو و گذشت، مجازات قصاص منتفی می‌شود آن چنان زیاد نیست که موجب از بین رفتن فلسفه قصاص در جامعه بشود.